

پسر خاله و دختر خاله خطاکار در ایستگاه محاکمه



پسر جوانی که متهم است با همدستی دختر خاله‌اش، شوهر او را به قتل رسانده در دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه می‌شود.
به گزارش خبرنگار ما، شانزدهم تیرسسال ۹۵، مأموران کلانتری ۱۲۲ امین‌آباد شهری از وقوع آتش سوزی یک دستگاه سمند در کمربندی پل فیروزآباد به سمت غنی‌آباد باخبر و راهی محل شدند.بعد از مهار آتش مأموران با جسد نیمه سوخته مرد جوانی روبه‌رو شدند که شواهد نشان می‌داد آن مرد قبل از آتش سوزی با اصابت ضربات چاقو به قتل رسیده‌است.

جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات در این زمینه آغاز شده بود که زن ۳۹ساله‌ای به نام الهه با مراجعه به پلیس آگاهی، مأموران را از ناپدید شدن ناگهانی شوهر ۴۲ساله‌اش به نام اصغر باخیر کرد و گفت: «شب گذشته شوهرم بعد از خوردن افطار برای دیدن مادرش خانه را ترک کرد،اما دیگر بازنگشت. تلفن همراهش نیز خاموش است نگرانم اتفاق بدی افتاده باشد.»

با ثبت مشخصات شوهر آن زن و مطابقت با جسد سوخته کشف‌شده، مأموران در یافتند جسد متعلق به شوهر همان زن جوانی است که اعلام مفقودی کرده بود. به این ترتیب پلیس، زن جوان و دو دختر ۹ و ۱۲ساله قربانی را تحت بازجویی قرار داد، اما آنها مدعی بودند از آن آتش سوزی اطلاعی ندارند. در حالیکه تحقیقات در این زمینه ادامه داشت برادر مقتول در بازجویی‌ها به مأموران گفت: «برادرم با همسرش اختلاف داشت و بارها با هم درگیر شده بودند و احتمال می‌دهم از قتل او باخیر باشد.»

همچنین در روند تحقیقات، مستأجر خانه مقتول نیز در بازجویی‌ها به مأموران گفت: «شب قبل از حادثه مرد جوانی با خودروی ۲۰۶ به خانه اصغر آمد و ماشینش را داخل حیاط پارک کرد و سپس با خودروی سمند مقتول از خانه خارج شدند. بعد از آن بود که از کشته شدن اصغر باخیر شدیم.»

پلیس در شاخه دیگری از تحقیقات با بررسی تلفن همراه همسر مقتول، به چند پیامک مشکوک بین او و پسرخاله‌اش به نام رامین پی برد. بنابر این رامین ۲۴ساله که در نمایشگاه خودرو کار می‌کرد به عنوان مظنون پرونده شناسایی و بازداشت شد.

وی در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد و گفت: «الهه، دخترخاله‌ام بود و شوهرش -اصغر- مرد بد اخلاقی بود. من به الهه و دخترانش علاقه‌مند بودم.به همین دلیل با بدخلقی‌ها قتل مقتول ناراحت بودم.این گذشت تا اینکه آخرین بار وقتی دختر ۱۲ساله آنها به من گفت پدرش او را کتک زده عصبانی شدم و تصمیم گرفتم او را دلب کنم.»

متهم در خصوص قتل گفت: «شب حادثه مشروب خورده بودم و در حال طبیعی نبودم.با خودروی ۲۰۶ که از نمایشگاه ماشین برداشته بودم به خانه دختر خاله‌ام رفتم و از اصغر خواستم ماشین را در حیاط خانه‌اش پارک کنم. ساعتی گذشت تا اینکه از مقتول خواستم با ماشین خودش مرا به خانه‌مان برساند.او قبول کرد و سوار خودروی او شدم. ساعت حدود یک نیمه شب بود که حوالی اتوبان امام علی غافلگیرانه چند ضربه با چاقو به او زدم.ساعت‌ها با جسد در خیابان می‌چرخیدم و نمی‌دانستم با آن چکار کنم.هوا در حال روشن شدن بود که او را به سمت جاده ورامین بردم و از ترس اثر انگشتم روی ماشین، شیلنگ بنزین را بریدم و مقداری بنزین روی جسد داخل ماشین ریختم. بعد از آن بود که چاقو را در زمین کشاورزی حاشیه ورامین انداختم و به خانه برگشتم.»
با اعتراضات تکان دهنده پسر جوان، مقتول نیز تب به اعتراف گشود و گفت: «بارها رامین به من ابراز علاقه کرده بود،اما اهمیتی ندادم.او وقتی فطار شوهرم را می‌دید ناراحت می‌شد و می‌گفت اگر چند سال زودتر به دنیا آمده بود هیچ وقت اجازه نمی‌داد با اصغر ازدواج کنم. او بارها پیشنهاد قتل همسرم را مطرح کرده بود، حتی یکبار از من خواست تا در غای او سم بریزم و او را اسموم کنم اما قبول نکردم.»

باقرارهای متهم و همسر مقتول، رامین بعد از بازسازی صحنه جرم به اتهام قتل، شرب خمر و آتش سوزی ماشین و الهه به اتهام معاونت در قتل روانه زندان شدند. پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات به شعبه محکم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. به این ترتیب متهمان در نوبت رسیدگی به ریاست قاضی کیخواه محاکمه خواهند شد.

شلاق و تبعید مجازات بنگاهدار شیطان صفت



مرد بنگاهدار که دختر جویسای کار را با وعده کار فریب داده و به او تعرض کرده بود به شلاق و تبعید محکوم شد.
به گزارش خبرنگار ما، بیست و ششم بهمن سال ۹۵ دختر جوانی به نام مهسا با حضور در کلانتری ۱۷ شهر جدید پردرد از مرد بنگاهداری به نام نادر به اتهام تعرض شکایت کرد. مهسا گفت: «از شیراز به تهران آمده بودم و دنبال کار بودم که با نادر در یک بنگاه املاک آشنا شدم. قرار بود برایم یک همخانه و شغلی مناسب پیدا کند تا اینکه تماس گرفت و گفت برایم یک همخانه پیدا کرده‌است و قرار شد در رستوران برادرش هم کار کنم. او با وعده تست کامپیوتری من را به خانه‌اش کشاند و تعرض کرد.»

بعد از طرح شکایت نادر بازداشت شد، اما جرمش را انکار کرد. پرونده در شعبه دوازدهم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی تولیت رسیدگی شد. در آن جلسه بعد از توضیحات شاکی، متهم در جایگاه قرار گرفت و گفت: «من در خانه برادرم زندگی می‌کردم و با اجاره یک مغازه املاک سالهاست آنجا مشغول کارم. وقتی شاکای به مغازه آمد سعی کردم او را کمک کنم.اما بعدها فهمیدم او قصد اخذای دارد. باور کنید در چند مرحله به او پول دادم، اما تعرض نکردم و شاکای دروغ می‌گوید.»

در پایان هیئت قضایی، متهم را به ۱۰۰ ضربه شلاق و دو سال تبعید به سیستان و بلوچستان محکوم کرد.



مرد جوانی که یکی از مردان آهنین را در بزم مستانه با شلیک گلوله به قتل رسانده می‌گوید چند ساعت پس از دستگیری و پس از پریدن مستی از سرش متوجه حادثه شده‌ است.
به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۴:۳۰ باامداد روز پنج‌شنبه ۱۱مردادماه مأموران کلانتری ۱۳۴ شهرک غرب حادثه تیراندازی مرگباری را به قاضی محسن مدیر روستا، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران خبر دادند و اعلام کردند در جریان این حادثه مرد ۴۷ساله‌ای به نام علی به قتل رسیده‌است.

پس از اعلام این‌ خبر باز پرس جنایی همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شدند و در یافتند مقتول در یک بزم دوستانه پس از خوردن مشروب با شلیک گلوله اسلحه شکاری صاحبخانه که مرد ۴۰ساله‌ای به نام فرهاد است به شدت زخمی شد و پس از انتقال به بیمارستان آتیه فوت می‌کند.

همچنین مشخص شد مأموران پلیس قاتل و یکی از دوستان دیگرش به نام وحید را که در صحنه حضور داشتند بازداشت کرده‌اند.

صبح دیروز دو متهم برای تحقیقات به دادسرای امور جنایی منتقل شدند. قاتل در بازجویی‌ها با اظهار پشیمانی به قتل دوستش اعتراف کرد و وحید هم در بازجویی‌ها مدعی شد که در قتل علی دست نداشته و فقط شاهد تیراندازی بوده‌است. دو متهم در ادامه به دستور قاضی مدیر روستا برای تحقیقات بیشتر و روشن شدن زوایای پنهان حادثه در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفتند.

فرهاد که در بازجویی‌ها گفته بود در حالت مستی رفیق صمیمی‌اش را به قتل رسانده در گفت‌وگو با خبرنگار ما حادثه را شرح داد.

صورت و چشمهای در درگیری با مقتول کبود شده‌ است؟
نه. اصلا مقتول با من درگیر نشد. وقتی به طرف علی شلیک کردم وحید دوست مشترکمان مرا به شدت کتک زد که نفهمیدم چه شد.

معنای؟

نه، ما روز شکاریم و اصلاً اهل دود و حتی سیگار نیستیم.

حجوات

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵

اقرار به قتل مرد آهنین

متهم مدعی است در کلانتری وپس از پریدن مستی از سرش متوجه حادثه شده‌ است

چه ورزشی؟

پاور لیفتینگ.

مقتول هم ورزشکار بود؟

بله، علی سابقه قهرمانی در رشته پاور لیفتینگ را داشت. او از مردان آهنین بود و چند باری در این رشته مقام آورده بود. او باشگاه بزرگی هم در شهرک غرب داشت و من شاگرد او بودم.

چرا علی را به قتل رساندی؟

حقیقتش او دوست ۲۰ساله و صمیمی من بود آن شب زیاد مشروب خوردم و مست شدیم که در حالت مستی این اتفاق مرگبار رخ داد.

مأموران دو قبضه اسلحه از خانه شما کشف کردند، درست است؟

بله.

اسلحه را از کجا خریدی؟

من عاشق اسلحه هستم. یکی از اسلحه‌ها که ساخمه‌زنی از فروشگاه لوازم ورزشی خریدم که احتیاج به مجوز ندارد و اسلحه دیگری هم که شکاری پنج تیر است و سه‌سال قبل خریدم و مجوز دارد. خیلی این اسلحه را دوست دارم و همیشه زیر تختخوابم می‌گذاشتم.

درباره حادثه توضیح بده؟

من وضع مالی خوبی دارم و شغلم آزاد است. مدتی قبل خانه‌ای بزرگ در حوالی شهرک غرب اجاره کردم و گاهی هم دوستانم را دعوت می‌کردم و خوشگذرانی می‌کردیم. آن شب علی و چند نفر دیگر را دعوت کردم. علی همراه پسر و دوستش وحید ۱۱ساعت ۱۱شب به خانه من آمدند. البته دو نفر دیگر هم از دوستانم بودند. من با مشروب از آنها پذیرایی کردم و همگی مست شدیم. ساعتی بعد پسر علی و دو نفر دیگر از مهمان‌ها رفتند. خیلی مست بودم و چیزی نمی‌فهمیدم که اسلحه برداشتم و به سوی علی شلیک کردم. پس از آن چیزی متوجه نشدم تا اینکه در کلانتری فهمیدم علی را به قتل رسانده‌ام.

حرف آخر؟

کاش مشروب نخورده بودم. عاقبت بد مستی، بدبختی است.

وحید متهم دوم این حادثه تنها شاهد

حادثه مرگبار بود. او در پاسخ به سؤال‌های خبرنگار ما گفت:

متأهلی؟

بله.

شغلت چیه؟

من ورزشکارم و باشگاه ورزشی دارم و به همین دلیل مقتول را می‌شناختم و از دوستان صمیمی‌ام بود.

شب حادثه قاتل، شما را برای مشروب خوری به خانه‌اش دعوت کرد؟

من دعوت نبودم اما علی دعوت بود.

چرا رفتی؟

آن شب من کارت‌های عروسی خواهرم را بین بستگان و دوستان بخش می‌کردم و با علی بودم که به من گفت خانه فرهاد دعوت است و از من خواست چند ساعتی بمانم و بعد با هم کارت‌های عروسی را بخش کنیم که من هم قبول کردم و با او به خانه فرهاد رفتم.

بیشتر توضیح بده؟

ما همه مشروب خوردیم و حالت طبیعی نداشتم که متوجه شدم شب از نیمه گذشته‌است. ساعت ۳صبح بود که همسر

با من تماس گرفت و گفت به خانه بروم. گذشتم با صحنه عجیبی روبه‌رو شدم. فرهاد تفنگ بزرگی به طرف علی گرفته بود و تهدید می‌کرد اگر تکان بخورد می‌زند. به علی گفتم این چه می‌گوید که فرهاد شلیک کرد. آنقدر به هم نزدیک بودند و قدرت گلوله‌ها زیاد بود که قسمتی از در اتاق را هم تخریب کرد.

چرا فرهاد را کتک زدی؟

فرهاد وقتی شلیک کرد به اتاقش فرار کرد و پس از مخفی کردن اسلحه‌اش به بیرون دوید. او می‌خواست سوار خودرواش شود و فرار کند که او را گرفتیم و با هم درگیر شدیم و به شدت او را کتک زدیم و بعد هم به مأموران پلیس خبر دادم. مأموران هم در بازرسی از اتاقش تفنگ را زیر تختخوابش کشف کردند.

تعرض مجرم سابقه‌دار به پسر همسایه



مجرم سابقه‌دار که متهم است پسر نوجوان را ربوده و در خانه‌اش به او تعرض کرده‌ است بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار ما، دو روز قبل مردی همراه ۱۳ساله‌اش وارد شعبه چهارم دادسرای امور جنایی شد و بازپرس را از ماجرای سیاه باخبر کرد. او گفت مردی که در همسایگی‌اش زندگی می‌کند پسر نوجوانش را فریب داده و به او تعرض کرده‌است. پسر نوجوان هم توضیح داد: من ساعت ۲۰:۳۰ شب گذشته در راه بازگشت از باشگاه بودم که با بهزاد که در همسایگی ما زندگی می‌کند مواجه شدم. او که مقابل خانه‌شان ایستاده بود من را به صدا زد. وقتی به او نزدیک شدم ناگهان دستم را گرفت و به زور من را به داخل خانه‌شان کشاند. او با تهدید من را به آپارتمانش در طبقه دوم برد و پس از قفل کردن در به زور تعرض کرد. بعد از مطرح شدن شکایت پرونده به دستور قاضی محمدی در اختیار تیمی از کارآگاهان اداره شانزدهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. کارآگاهان صبح دیروز راهی خانه بهزاد شدند. بهزاد که از حضور پلیس باخبر شده بود تلاش کرد از راه پشت بام فرار کند اما بازداشت شد. بعد از آن بود که پسر نوجوان با حضور در اداره شانزدهم پلیس آگاهی متهم را شناسایی کرد. در شاخه دیگری از بررسی‌ها سوابق بهزاد بررسی و مشخص شد که او هفت‌سال قبل به اتهام زورگیری بازداشت شده و به زندان افتاده بود. همچنین مشخص شد که او از مدت‌ها قبل در زمینه خرید و فروش مواد مخدر فعالیت می‌کند.

سرهنگ علی ولیپور گودرزی، معاون مبارزه با جرائم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: به دستور بازپرس، تحقیقات بیشتر از متهم در اداره شانزدهم پلیس آگاهی در جریان است.

تازه داماد به مرگ محکوم شد

تازه دامادی که چهار ماه بعد از ازدواج همسرش را به قتل رسانده‌است محاکمه و به مرگ محکوم شد.

به گزارش خبرنگار ما، نوزدهم مهرسال ۹۶ جسد نوعروس ۱۸ساله به نام مینا در خودروی شوهرش -در سعید آباد شهریار- کشف شد. تحقیقات پلیس نشان داد که مینا در جریان درگیری با شوهر ۳۳ساله‌اش نادر به قتل رسیده‌است به این ترتیب تازه داماد بازداشت و بعد از اقرار به قتل نوعرووش روانه زندان شد. با کامل شدن تحقیقات پرونده در شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی بابایی رسیدگی شد. در آن جلسه متهم بعد از درخواست قصاص از سوی اولیای دم در جایگاه قرار گرفت و گفت: «چهار ماه از عقد من و مینا می‌گذشت و من شرایط گرفتن مراسم عروسی را نداشتم. قرار بود مراسم بعد از خدمت سربازی‌ام باشد، اما مینا اصرار داشت که هر چه زودتر زندگی مشترک را آغاز کنیم. این گذشت تا اینکه روز حادثه مقابل دانشگاه مینا رقتم و او سوار ماشین شد. بعد از تفریح و گشت و گذار بود که مینا دوباره حرف از گرفتن جشن عروسی را زد. به او گفتم قبل از پایان خدمت برایم امکان پذیر نیست. آنجا بود که با هم درگیر شدیم و من از روی عصبانیت دستانم را جلوی دهان مینا گرفتم و یکباره متوجه شدم او نفس نمی‌کشد. از ترس جسدش را حوالی سعید آباد شهریار بردم و همانجا رها کردم.»

در پایان جلسه هیئت قضایی بعد از شور تازه داماد را به قصاص محکوم کرد.

توجه به اوقات فراغت پیشگیری از بزهکاری

- انجام فعالیت‌های فرهنگی، ورزشی و هنری تا حد زیادی از انحراف و بزهکاری جوانان و نوجوانان پیشگیری می‌کند.
- کارهایی که دانش‌آموزان در اوقات فراغت انجام می‌دهند، می‌تواند مسیر زندگی آنها را تغییر دهد، بنابراین هوшіار باشید.
- هیچ چیز نمی‌تواند جای تفریح سالم را بگیرد. فعالیت‌های تفریحی به افراد فرصت می‌دهد تا انرژی و احساسات خود را تخلیه کنند.
- گذراندن اوقات فراغت در کنار افراد خانواده، صمیمیت و یگانگی را بیشتر می‌کند و روابط فرزندان و والدین را تحکیم می‌بخشد.
- برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت جوانان و نوجوانان از اساسی‌ترین مسائلی است که وجود یا فقدان آن می‌تواند به عزت یا خدای ناکرده ذلت آنان در زندگی منجر شود.
- سرکشی به مراکز علمی، ورزشی و هنری فرزندان را جزئی از برنامه‌های خود قرار دهد.
- ایجاد نگرش مثبت در دانش‌آموزان نسبت به ارزش‌ها و اثرات سازنده اوقات فراغت در کنار برنامه‌ریزی مناسب برای آنان، دارای نقش بسیار مهم و اساسی است.
- ظهوری برنامه‌ریزی کنید که حداقل یک یا دو سفر کوتاه مدت با کودکانان داشته باشید.
- از فرزندانانتان نظرخواهی کنید که در ایام تابستان چه کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی را بیشتر دوست دارد.
- توضیح می‌شود که فعالیت ورزشی را که فرزندان دوست دارد، انجام دهد. اگر در روستا زندگی می‌کنید نقش بازی‌های محلی و سنتی را در تخلیه و تعادل انرژی زائد کودکان از یاد نبرید.
- پدر و مادر و مربیان الگوهای اصلی یادگیری کودکان به شمار می‌روند اگر آنان در خانواده و مراکز آموزشی فعالیت‌های مناسبی برای اوقات فراغت خود داشته باشند کودکان نیز از آنها می‌آموزند پس الگوی شایسته‌ای برای آنان باشید.

معاونت اجتماعی فاتب – اداره آموزش و مشارکت عمومی